

جامع
کنکور

نظام
جدید

منطق و فلسفه

(۱۰ و ۱۱ و ۱۲)

وحید تمنا

درستنامه جامع و کامل

۲۴۰۰ پرسش چهارگزینه‌ای

چینش هدف‌درست‌ها

پاسخ‌های تشریحی

آوردن تمام مراحل در پاسخ‌ها

مـرور و جمع بندی

مشاوره درسی

جدول اعداد انسانی:

چه درصدی بزنیم؟ چه رتبه‌ای می‌آوریم؟



ناشر تخصصی دروس عمومی و علوم انسانی
انسانی‌ها تا آخر هم‌راه شما هستیم

حتماً ورق بزنید و ببینید همین صفحه را بخوانید.

منطق و فلسفه کنکور

بخش اول

منطق

- درس اول: انسان و تفکر
- درس دوم: چگونه تعریف کنیم؟
- درس سوم: تعریف و دنیای مفاهیم
- درس چهارم: اقسام ذاتی و عرضی (کلیات پنجگانه)
- درس پنجم: اقسام تعریف
- درس ششم: جایگاه قضیه در استدلال
- درس هفتم: اقسام قضایای حملی و شرطی
- درس هشتم: احکام قضایای حملی
- درس نهم: استدلال (ترکیب قانونمند قضایا)
- درس دهم: اقسام قیاس
- درس یازدهم: ارزش قیاس
- درس دوازدهم: محتوای استدلال (ماده قیاس)
- درس سیزدهم: مغالطه



انسان و تفکر

ریز مباحث درس اول

| | |
|---------------------------|----------------------|
| منطق چگونه چیزی هست؟ | ملاک برتری انسان |
| نتایج استفاده از علم منطق | نطق |
| نسبت ارسطو با منطق | نسبت تفکر با روح |
| موضوعات حاشیه‌ای اما مهم | منطق چگونه نیست؟ |
| | منطق چگونه چیزی هست؟ |

ملاک برتری انسان

ملاک برتری انسان به سایر مخلوقات عالم در چیست؟

نظریه اول: ملاک برتری انسان نسبت به سایر مخلوقات «عمل» و «رفتار» انسان‌ها است.
نظریه دوم: قدرت «تفکر» ملاک برتری است. این ملاک در طول تاریخ، تکرار شده و عمومیت یافته است.
تا این‌جا فهمیدیم که «تفکر» معیار مناسب‌تری برای بیان تفاوت انسان و حیوان است.

نطق

منظور از نطق چیست؟

در هر کتاب منطقی یا فلسفی تا واژه «نطق» را دیدیم، باید بلافاصله بدانیم که منظور نویسنده از این واژه، «تفکر و تعقل» است.

به طور مثال اگر این جمله را در کتاب درسی دیدیم که نوشته است:

ارسطوئیان گفته‌اند که انسان «حیوان ناطق» است چون: خواسته‌اند جایگاه رفیع اندیشه را در ساختار وجود انسان نشان دهند. به این معنی خواهد بود که انسان، حیوان اندیشمند و متفکر است.

الان شاید یک سؤال به ذهن شما برسد:

رابطه «سفن گفتن» با مفهوم منطقی و فلسفی «نطق» چیست؟ ما که نطق را در معنای سفن گفتن به کار می‌بریم در حالی که الان در معنی تفکر به کار می‌بریم. آیا رابطه‌ای ندارند یا رابطه‌ای دارند؟

ابتدا می‌گوییم که یکی از سؤال‌های خوبی که از این درس می‌توان طراحی کرد مائور طراح سؤال بر همین تفاوت است:

«تفکر و تعقل در سخن گفتن تجلی می‌کند.»

معنای این جمله را با دقت کشف کنید:

«ما می‌اندیشیم و در این حالت به ما گفته می‌شود **انسان ناطق**! حال اندیشه‌مان را بر زبان می‌آوریم در این صورت تفکر و اندیشه‌مان در سخن گفتن **تجلی** شده است.»

الان باید سه سؤال را بتوانید جواب دهید:

۱. منظور از نطق چیست؟
۲. نطق و سخن گفتن را مقایسه کنید؟
۳. چه کسانی به انسان، حیوان ناطق گفته‌اند و منظورشان از بیان این موضوع چه بود؟

اگر به این سه سؤال جواب دراز بر روی ارامه بحث را بخواهید. (پاسخ هر سه سؤال در پاراگراف‌های بالا موجود است.)

نسبت تفکر با روح

دوستان لطفاً به این سؤال ابتدا دقت کرده و سپس پاسخ دهید: «کدام بخش از وجود ما اگر نبود، تفکر نیز صورت نمی‌پذیرفت؟»
اگر این سؤال در کتاب روان‌شناسی شما طرح می‌شد شما پاسخ می‌دادید، **مغز انسان!**
اگر این سؤال در منطق پرسیده شود پاسخ خواهد بود: **روح انسان!**

این چند نکته زیر را نیز به خاطر بسپارید:

- «تفکر» مهم‌ترین فعالیت «روح» انسان است.
- چه بخواهیم و چه نخواهیم موجودی متفکر هستیم.
- پس: فکر کردن فرایند طبیعی و خودبه‌خودی است.
- ذهن انسان با اندیشه کردن زنده است و کاری جز تفکر ندارد.
- تفکر ضوابطی دارد که ذهن، به طور طبیعی آن را رعایت می‌کند.

یک موضوع مهم را بگوئیم و بروم سر تیتیر بعدی. ما تفکر کردن یا اندیشیدن را یاد نمی‌گیریم، بلکه آن را در درون خود داریم و منطق، «روش‌های درست اندیشیدن» را به ما نشان می‌دهد.

منطق چگونه چیزی نیست؟

منظور من از تیتیر فوق این است که در مورد منطق چه جملاتی را نمی‌توان بیان کرد و به زبان دیگر، آن چه در مورد منطق صدق نمی‌کند، کدام است:

۱. منطق، برنامه‌ای نیست که یک دانشمند، بسازد.
۲. منطق، ابداع کننده ندارد.
۳. منطق، طراح و سازنده ندارد.

منطق چگونه چیزی هست؟

الان وقت این است که بگوئیم منطق چگونه چیزی هست؟ و به زبان دیگر:

- آن چه در مورد منطق صدق می‌کند کدام است:
۱. منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد.
 ۲. منطق قواعد حاکم بر تفکر است.
 ۳. منطق، دانشی است که طرز کار «ذهن» را در عمل «تفکر» تشریح می‌کند.
 ۴. دانش منطق بهره‌برداری بهتر از فرایند طبیعی تفکر است.



در صورتی که از علم منطق استفاده کنیم به چه نتایجی می‌رسیم؟

- چهار مورد را از کتاب درسی برای شما پیدا کردم:
۱. کشف کردن ضوابطی که ذهن دارد،
 ۲. نشان دادن کاربرد آن ضوابط در تفکر،
 ۳. کشف کردن عواملی که باعث تسریع و بهبود تفکر می‌شود،
 ۴. کشف کردن عواملی که باعث کندی و نارسایی تفکر می‌شود.

نسبت ارسطو با منطق

در کتاب درسی چند سال پیش ارسطو را مبدع منطق می‌دانستند اما در این کتاب فعلی ارسطو به عنوان کاشف مطرح شده است و به همین دلیل در امتحان‌های تشریحی و تستی از این بخش به طور معمول سؤال طراحی شده است و هم‌چنان باز طرح سؤال خواهد شد:

- ارسطو «کاشف» و «تدوین کننده» منطق است.
- ارسطو «نشان‌دهنده» چگونگی فعالیت ذهن و اشتباهات آن» است.
- ارسطو «روش جبران برخی از اشتباهات ذهن را در جریان تفکر» نشان می‌دهد.

موضوعات حاشیایی اما مهم

۱. «روح» و «جسم» هر دو بر اساس قوانین خاص فعالیت می‌کنند.
۲. فعالیت‌های «روح» و «جسم» هر دو هدف‌دار و قانونمند است.
۳. ارسطو:

- فیلسوف یونانی در سده چهارم قبل از میلاد است
- معلم اول نامیده می‌شود.
- در تاریخ فلسفه به کسانی که مبنای اصلی فلسفه ارسطو را پذیرفته‌اند، ارسطوئیان می‌گویند.

واژگان کلیدی:

- واژگان کلیدی نتایج استقاره از منطق:
۱. کشف ضوابط ذهن
 ۲. کاربرد ضوابط در تفکر
 ۳. تسریع و بهبود تفکر
 ۴. جلوگیری از کندی و نارسایی تفکر



خودتان را جای طراح سؤال بگذارید

تفکر، سخن گفتن، روح، ذات، ذهن
بیاید همین‌ها مقایسه کنیم که این ۵ واژه چه تفاوت‌های با هم دارند یا چه سؤالی بیاید چه جوابی بدهیم؟

۱. نطق به چه معنایی است؟ تفکر
۲. رابطه سخن گفتن و تفکر، تفکر در سخن گفتن تبلی می‌کند
۳. رابطه روح و تفکر، «تفکر» مهم‌ترین فعالیت «روح» انسان است.
۴. منطق از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ «ذات انسان»
۵. رابطه ذهن و تفکر و منطق، منطق، دانشی است که طرز کار «ذهن» را در عمل «تفکر» تشریح می‌کند.

دوست عزیز! یادت باشد که طراح سؤال می‌تواند گزینه‌های غلط را دقیقاً از این واژه‌ها برای هر کدام استفاده کند. به طور مثال در مورد شماره چهار گزینه غلط را روح بگذار و اگر ما تفاوت روح و ذات را برای فردمان در سؤال‌های فوق درونی نگردیم باشیم احتمال غلط جواب دادن ما بیش‌تر می‌شود.

نتیج استفاده از علم منطق

در صورتی که از علم منطق استفاده کنیم به چه نتایجی می‌رسیم؟

- چهار مورد را از کتاب درسی برای شما پیدا کردم:
۱. کشف کردن ضوابطی که ذهن دارد،
 ۲. نشان دادن کاربرد آن ضوابط در تفکر،
 ۳. کشف کردن عواملی که باعث تسریع و بهبود تفکر می‌شود،
 ۴. کشف کردن عواملی که باعث کندی و نارسایی تفکر می‌شود.

نسبت ارسطو با منطق

در کتاب درسی چند سال پیش ارسطو را مبدع منطق می‌دانستند اما در این کتاب فعلی ارسطو به عنوان کاشف مطرح شده است و به همین دلیل در امتحان‌های تشریحی و تستی از این بخش به طور معمول سؤال طراحی شده است و هم‌چنان باز طرح سؤال خواهد شد:

- ارسطو «کاشف» و «تدوین کننده» منطق است.
- ارسطو «نشان‌دهنده» چگونگی فعالیت ذهن و اشتباهات آن» است.
- ارسطو «روش جبران برخی از اشتباهات ذهن را در جریان تفکر» نشان می‌دهد.

موضوعات حاشیایی اما مهم

۱. «روح» و «جسم» هر دو بر اساس قوانین خاص فعالیت می‌کنند.
۲. فعالیت‌های «روح» و «جسم» هر دو هدف‌دار و قانونمند است.
۳. ارسطو:

- فیلسوف یونانی در سده چهارم قبل از میلاد است
- معلم اول نامیده می‌شود.
- در تاریخ فلسفه به کسانی که مبنای اصلی فلسفه ارسطو را پذیرفته‌اند، ارسطوئیان می‌گویند.

واژگان کلیدی:

- واژگان کلیدی نتایج استقاره از منطق:
۱. کشف ضوابط ذهن
 ۲. کاربرد ضوابط در تفکر
 ۳. تسریع و بهبود تفکر
 ۴. جلوگیری از کندی و نارسایی تفکر

پرسش‌های کنکور و تکمیلی

۱. به ترتیب بگویید «کدام ملاک از میان ملاک‌های برتری انسان نسبت به سایر مخلوقات دارای عمومیت بیش‌تری است» و کدام ملاک «در طول تاریخ تکرار شده است»؟

 ۱) تفکر - عمل ۲) عمل - عمل ۳) تفکر - تفکر ۴) عمل - رفتار

 ۲. این که ارسطوئیان گفته‌اند «انسان حیوان ناطق است» خواسته‌اند
 ۱) تفاوت میان انسان و حیوان را به لحاظ منطقی نشان دهند. ۲) تعریف جامعی از انسان ارائه کنند.
 ۳) جایگاه رفیع اندیشه را در ساختار وجود انسان نشان دهند. ۴) اندیشه منطقی را گسترش دهند.

 ۳. کدام یک از گزینه‌های زیر رابطه تفکر و تعقل با سخن گفتن را به درستی بیان می‌کند؟
 ۱) تفکر عملی است که در ذهن شکل می‌گیرد ولی سخن گفتن عملی است که جسم انجام می‌دهد.
 ۲) تفکر مهم‌ترین فعالیت روح انسان است و سخن گفتن مهم‌ترین فعالیت جسم انسان است.
 ۳) تفکر فرایندی طبیعی و خودبه‌خودی است که در سخن گفتن متجلی می‌شود.
 ۴) تفکر کارکرد آگاهانه ذهن است که در سخن گفتن متجلی می‌شود.

 ۴. کدام یک از گزینه‌های زیر نسبت تفکر را با روح به درستی بیان می‌کند؟
 ۱) تفکر مهم‌ترین فعالیت روح انسان است و دارای ضوابطی است که ذهن به شکل آگاهانه آن‌ها را از محیط کسب می‌کند.
 ۲) تفکر مهم‌ترین فعالیت روح انسان متعالی است و انسان برای به دست آوردن این توانایی نیاز به اصول منطقی دارد.
 ۳) تفکر فرایندی طبیعی و خودبه‌خودی است و انسان برای به دست آوردن این توانایی نیاز به اصول منطقی دارد.
 ۴) تفکر فرایندی طبیعی و خودبه‌خودی است و دارای ضوابطی است که ذهن به طور طبیعی آن را رعایت می‌کند.

 ۵. تفکر از فعالیت کدام بخش از وجود انسان ناشی می‌شود و چگونه فرایندی دارد؟
 ۱) روح - طبیعی ۲) ذهن - طبیعی ۳) عقل - اکتسابی ۴) مغز - اکتسابی

 ۶. به ترتیب بگویید که ذهن انسان با کدام مورد زنده می‌ماند و ارسطوئیان به چه دلیلی انسان را حیوان ناطق نامیده‌اند؟
 ۱) اندیشه کردن - خواسته‌اند جایگاه رفیع اندیشه را در ساختار وجود انسان نشان دهند.
 ۲) تفکر کردن - خواسته‌اند جایگاه رفیع تفکر را در ساختار هستی نشان دهند.
 ۳) اندیشه کردن - خواسته‌اند جایگاه رفیع اندیشه را در ساختار خلقت نشان دهند.
 ۴) تفکر کردن - خواسته‌اند جایگاه رفیع تفکر را در ساختار موجودات نشان دهند.

 ۷. منظور از «نطق» در کتاب‌های منطقی و فلسفی چیست؟
 ۱) همان تفکر و تعقل است که خود را در رفتار و عمل انسان نشان می‌دهد.
 ۲) همان گویا بودن انسان است که در سخن گفتن تجلی می‌کند.
 ۳) همان گویا بودن انسان است که خود را در رفتار و عمل انسان نشان می‌دهد.
 ۴) همان تفکر و تعقل است که در سخن گفتن تجلی می‌کند.

 ۸. هرگاه از نطق در کتاب‌های منطقی و فلسفی یاد می‌کنیم منظور نیست؛ بلکه مقصود است که در تجلی می‌کند و خود را نشان می‌دهد؟

 ۱) سخن گفتن - عمل آگاهانه - رفتار انسان ۲) سخن گفتن - تفکر و تعقل - سخن گفتن
 ۳) تفکر و تعقل - سخن گفتن - تفکر و تعقل ۴) تفکر و تعقل - عمل آگاهانه - رفتار انسان

 ۹. اساس اندیشیدن است و نقش دانش منطقی بهره‌برداری بهتر از فرایند اندیشیدن است.
 ۱) غیرارادی - طبیعی ۲) ارادی - طبیعی ۳) غیرارادی - آگاهانه ۴) ارادی - آگاهانه

 ۱۰. منطقی برنامه‌ای که یک دانشمند می‌سازد، منطقی ابداع کننده و منطقی از سرچشمه می‌گیرد.
 ۱) نیست-ندارد-ذات انسان ۲) نیست-دارد-ذات انسان ۳) است-دارد-روح انسان ۴) است-ندارد-روح انسان

 ۱۱. منطقی از انسان سرچشمه می‌گیرد و طرز کار را در تشریح می‌کند.
 ۱) ذات - ذهن - عمل تفکر ۲) عقل - ذهن - استدلال ۳) ذات - روح - عمل تفکر ۴) عقل - روح - استدلال

 ۱۲. عبارت «منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد» به چه معنایی است؟
 ۱) از خطاهای منطقی گریزی نیست.
 ۲) دانش و علم انسان قادر به شناخت آن نیست.
 ۳) اراده انسانی در توجه به آن نقشی ندارد.
 ۴) دانش و علم انسان در ایجاد آن نقشی ندارد.

۱۳. به ترتیب بگویید کدام یک از جملات زیر صحیح یا غلط هستند. «منطق طراح ندارد ولی سازنده دارد»، «منطق کشف کننده ندارد ولی طراح دارد»، «منطق دانشی است که طرز کار ذهن را در عمل تفکر می‌سازد»، «منطق بهره‌برداری بهتر از فرایند طبیعی تفکر است»
- ۱ صحیح-صحيح-غلط-غلط ۲ غلط- غلط- صحيح- صحيح
۳ غلط - غلط - غلط - صحيح ۴ صحيح - غلط - صحيح - صحيح
۱۴. کدام یک از گزینه‌های زیر از نتایج استفاده از دانش منطق نیست؟
- ۱ به دست دادن قواعدی برای ضوابط ذهن ۲ کشف کردن عواملی که باعث تسریع و بهبود تفکر می‌شود.
۳ نشان دادن کاربرد ضوابط تفکر در ذهن ۴ کشف کردن عواملی که باعث کندی و نارسایی تفکر می‌شود.
۱۵. عبارت درست در مورد علم منطق کدام است؟
- ۱ به کمک آن می‌توانیم، انسان متفکر باشیم. ۲ نسبت منطق به ذهن انسان، شبیه نسبت ضربان به قلب است.
۳ کشف ضوابط آن ممکن نیست اما اختراع آن ممکن است. ۴ سرعت و دقت استفاده از قواعد حاکم بر ذهن را افزایش می‌دهد.
۱۶. کدام تعریف، برآورنده «علم منطق» است؟
- ۱ معیاری مقابله حق و باطل است تا با شناساندن معیارهای حق، باطل هم شناخته شود.
۲ وسیله مقابله مفاهیم و مصادیق است تا به کمک حجت و استدلال، راه تفکر درست را بیاموزد.
۳ معیار سنجش حق و باطل است تا به کمک تصورات و تصدیقات معلوم، ذهن را از خطا باز دارد.
۴ وسیله سنجش مفاهیم و مصادیق است تا معلومات را وسیله کشف مجهولات قرار دهد و راه تفکر درست را بیاموزد.
۱۷. ارسطو، مبدع علم منطق و انسان منطقی قوانین و ضوابط منطق است و آن‌جا که هدف انسان درک چیستی یک مفهوم باشد، دست به دامان می‌شود.
- ۱ است - کاشف - تعریف ۲ است - مدوّن - استدلال
۳ نیست - مدوّن - استدلال ۴ نیست - کاشف - تعریف
۱۸. اساس تفکر در انسان، ارادی و حیات انسان به است و وظیفه «علم منطق» می‌باشد.
- ۱ نیست - اندیشیدن - آشنایی انسان با طرز کار ذهن ۲ است - اندیشیدن - آشنایی انسان با طرز کار ذهن
۳ است - نطق - به دست دادن قوانین و ضوابط درست اندیشیدن ۴ نیست - نطق - به دست دادن قوانین و ضوابط درست اندیشیدن
۱۹. کدام یک از گزینه‌های زیر نسبت ارسطو را به منطق صحیح بیان نکرده است؟
- ۱ ارسطو، کاشف منطق است و ابداع کننده آن نیست. ۲ ارسطو، نشان‌دهنده چگونگی فعالیت ذهن و اشتباهات آن است.
۳ ارسطو، تدوین کننده منطق است و سازنده آن نیست. ۴ ارسطو، روش جبران کل اشتباهات ذهن را در تفکر نشان می‌دهد.
۲۰. در مورد «روح» و «جسم» کدام گزینه صحیح نیست؟
- ۱ فعالیت‌های هر دو هدف‌دار است. ۲ «روح» همراه با هدف متعالی ولی «جسم» با هدف غیر متعالی است.
۳ «روح» و «جسم» براساس قوانین متفاوت فعالیت می‌کنند. ۴ فعالیت‌های هر دو قانونمند است.
۲۱. ارسطو فیلسوف بزرگ یونان در سده است که وی را نیز می‌نامند و در تاریخ فلسفه به کسانی که مبانی اصلی او را پذیرفته‌اند، می‌گویند.
- ۱ چهارم قبل از میلاد - معلم ثانی - منطق - ارسطوئیان ۲ چهارم بعد از میلاد - معلم ثانی - منطق - سوفسطائیان
۳ چهارم قبل از میلاد - معلم اول - فلسفه - ارسطوئیان ۴ چهارم بعد از میلاد - معلم اول - فلسفه - سوفسطائیان
۲۲. تعریف ارسطوئیان در کدام گزینه، درست‌تر آمده است؟
- ۱ مبانی فلسفی ارسطو معتقدند را قبول دارند. ۲ آنها معیار دسته‌بندی امور را از ارسطو وام گرفته‌اند.
۳ آنها امتیاز انسان را، سخنگو بودن آن می‌دانند. ۴ آنها امتیاز انسان را، متفکر بودن آن می‌دانند.

چگونه تعریف کنیم؟

ریز مباحث درس دوم

| | |
|----------------------------------|--------------------------|
| رابطه‌ی انتخاب، اراده و فکر کردن | دو مقایسه |
| مقصد تفکر | موضوع و هدف علم منطق |
| تقسیم‌بندی علم و ادراک | رابطه‌ی علم منطق و تعریف |
| تصور و تصدیق | موضوعات حاشیه‌ای اما مهم |
| تعریف | |

رابطه انتخاب، اراده و فکر کردن

لطفاً با پر کردن جای خالی از کلمات داخل پرانتز برخی از مطالب درس قبل را دوره کنید:
فکر کردن ذاتی انسان ... (است یا نیست) و ... (می‌توان یا نمی‌توان) به کمک اراده، اندیشیدن یا نیاندیشیدن را ... (انتخاب یا اجبار) کرد.

پاسخ خودتان را با جمله زیر مقایسه کنید و امیدوارم همه را درست گفته باشید:

فکر کردن ذاتی انسان است و نمی‌توان به کمک اراده، اندیشیدن یا نیاندیشیدن را انتخاب کرد.

خوب! اگر جمله فوق را قبول کنیم در این صورت آیا انتخابی داریم و اگر داریم آن چه ما می‌توانیم انتخاب کنیم چه مواردی است؟

پاسخ این است که در دو مورد زیر حق انتخاب داریم:

۱. موضوعات تفکر را می‌توانیم انتخاب کنیم.

۲. با اراده خود می‌توانیم تفکر خود را سلمان دهیم تا کم‌تر دچار اشتباه شویم.

مقصد تفکر

تفکر برای رسیدن به چیست؟

۱. تفکر برای رسیدن به «دانش» و «شناخت» است. ۲. تفکر برای «توسعه علم» است.

تقسیم‌بندی علم و ادراک

رسیدیم به یکی از مهم‌ترین بخش‌های کتاب منطق که همیشه یا سؤال مستقیم از آن طرح می‌شود و یا سؤال غیر مستقیم. با دقت بخوانید و تمام تمرین‌هایی که مرحله به مرحله رفته‌ام، یاد بگیرید. اولین کارمان این است که موضوع زیر را درک کنیم:

علم و ادراک به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: ۱. تصور ۲. تصدیق

حال تصور چیست؟ و تصدیق چیست؟ لطفاً دقت کنید که تصور با تصدیق چه تفاوت‌های دارد.

تصور و تصدیق

در کتاب درسی برای تصور تعریفی ارائه نکرده است و در واقع آن را توضیح داده است. انگار به طور عملی نویسنده کتاب درسی از ما خواسته است برای درک تصور بگوییم که: هر چیزی تصدیق نباشد، پس تصور خواهد بود.

می‌خواهم با روش بسیار ساده این موضوع را به شما یاد بدهم:

من می‌گویم: «درخت». این یعنی تصور. حالا می‌گویم «سبز». سبز هم تصور است. حالا می‌گویم: «درخت سبز است». این یعنی تصدیق. چرا که بین دو تصور «درخت» و «سبز» ارتباط و نسبتی برقرار کرده‌ام. در تمامی تصدیق‌ها حتماً قضاوت و حکمی صادر شده است. در این مثال شما می‌توانید بگویید که این درخت سبز نیست مثلاً قهوه‌ای است چرا که گوینده قضاوتی کرده است و شما می‌توانید قضاوت وی را قبول یا نفی کنید ولی اگر شما همین طوری کلمه درخت را بشنوید، اگر بشناسید: آن را در ذهنتان تصویر می‌کنید ولی به هر حال قضاوت نمی‌کنید.

یک مرحله بالاتر برویم: من می‌گویم: «درخت سبز». این هنوز اشاره به تصور دارد نه تصدیق. چون میان درخت و سبز نسبتی برقرار نکرده‌ام. پس تا الان متوجه شده‌اید که اگر بگوییم «درخت سبز خیابان سعدی» باز هم با تصور سر و کار داریم.

جمع بندی کوچکی با هم داشته باشیم و بعد چند تمرین بکنیم:

تصدیق دو ویژگی دارد:

۱. قضاوت و حکمی را می‌رساند.
۲. دارای فعل ربطی است (نسبت)



در مثال‌های زیر تعیین کنید که کدام یک از موارد، تصور و کدام یک تصدیق هستند.

۱. خیابان: ۲. خط راست:
۳. کتاب منطق من: ۴. هوا ابری است:
۵. تو از شب‌های خنک تابستان کیف می‌کنی: ۶. بیابان کویر لوت ایران:
۷. سرودی بر مردی که زیر باران راه می‌رفت: ۸. آسیاب‌های بادی خیال من:

پاسخ‌ها

۱ و ۳ و ۶ و ۸: تصور هستند چون هیچ کدام چیزی را به چیزی نسبت نمی‌دهند.

۲ و ۴ و ۷: تصدیق هستند چون چیزی را به چیزی نسبت می‌دهند یا به طور آشکار مانند مثال ۴: ابری بودن را به هوا نسبت می‌دهد؛ یا به طور غیر مستقیم نسبت می‌دهد، مانند مثال ۷ که در واقع چنین است: این سرود برای مردی که زیر باران راه می‌رود، است.

مثال ۵ چطور؟ آیا تصدیق نیست؟ اگر شک کرده باشید حق دارید. براساس منطق صوری (ارسطویی) که کتاب درسی بر آن اساس نوشته شده است مثال ۵ تصدیق است. پس اگر در کنکور این تست داده شود، آن را تصدیق بگیرید. (اما اگر براساس منطق جدید نگاه کنیم، این مثال، تصدیق نیست چرا که این جمله قضاوت و حکمی را نمی‌رساند. چرا؟ چون زمانی یک جمله قضاوت و حکمی را می‌رساند که بتوان آن را صادق یا کاذب دانست این جمله نمی‌تواند غلط یا درست دانسته شود چرا که این جمله بیانگر احساس لذت یک نفر است و درستی و غلط نمی‌توان برایش بیان کرد.)

چند نکته کاربردی

چند نکته حاشیه‌ای ولی مهم در مورد تصور:

۱. هنگام تصور یک مفهوم، کاری نداریم که آن مفهوم، واقعیت دارد یا ندارد.
۲. هنگام تصور یک مفهوم، کاری نداریم که آن مفهوم رابطه‌ای با واقعیات دیگر دارد یا ندارد.
۳. با فکر کردن از نوع تعریف است که به یک تصور، علم پیدا می‌کنیم.

مفهوم و مصداق:

حالا می‌خواهم معنای «مفهوم» و «مصداق» را بگویم و بعد بروم سراغ تمرین:

یک دایره را فرض کنید که نام آن را می‌گذاریم دایره درخت و با A نشان می‌دهیم و تمامی انواع درخت که در تمام کره زمین وجود دارند نقطه‌های درون دایره درخت ما هستند. به تمام آن مواردی که در واقعیت، درخت می‌گوییم مصداق درخت گفته می‌شود.

حال در نظر بگیریم که می‌خواهیم بگوییم درخت سرو. اولین اتفاقی که می‌افتد این است که دایره‌ی A کوچک‌تر می‌شود. یعنی مصداق درخت سرو کم‌تر از مصداق درخت است. خوب! اگر بگوییم «درخت سرو حیاط خانه ما» این دایره از دایره بودن تبدیل به یک نقطه می‌شود. چرا؟ چون خانه ما فقط یک درخت سرو دارد.

آنچه تا الان گفتیم در مورد دو واژه کلیدی است که متأسفانه فرض شده است شما باید از اول آن را می‌دانستید و در کتاب درسی توضیحی نداده است؛ ولی برای درک تصور و تصدیق و تصور جزئی و کلی (در درس بعدی) بسیار لازم داریم.

پس مصداق می‌شود «آنچه مفهوم در عالم خارج از ذهن ما به آن اشاره می‌کنند» (به من بگوئید که مصداق خانه چیست؟ درست گفتید تمام خانه‌هایی که در هر کجای زمین هستند.)



حالا برویم سراغ درک «مفهوم». هر مفهومی در ذهن ما برای این که شناخته شود و با بقیه مفهوماً تمایز داشته باشد، باید دارای اجزایی باشد (اصطلاحاً می‌گوییم اجزای عقلی). بیاید مفهوم مثلث را در نظر بگیریم. ما برای درک مفهوم مثلث باید اجزایی را بشناسیم که اگر آن اجزا را بشناسیم، مثلث را شناخته‌ایم. اگر بدانیم «شکل» و «سه ضلعی» چیست، آن وقت می‌فهمیم مثلث، «شکل سه ضلعی» است.

حالا بیاید به کمک کتاب درسی خود از صفحه ۷، اجزای تصورات زیر را در جاهای خالی پر کنید (تعداد جاهای خالی را دقیق گذاشته‌ام، دقت کنید):

مستطیل: «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»
گروه: «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....».

پاسخ‌ها

مستطیل: «شکل»، «چهار»، «ضلع»، «دو به دو»، «موازی»، «مساوی»، «زاویه»، «قائم»
گروه: «اجتماع»، «افراد»، «زندگی»، «کنار هم»، «هدف»، «واحد»
تا الان باید چه چیزی یاد گرفته باشیم؟ این چهار مورد زیر را!
۱. تصور و تصدیق چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟
۲. روش تشخیص تصور از تصدیق و بالعکس چیست؟
۳. مصداق یعنی چه؟
۴. هر مفهومی با مفهوم دیگر در چه چیزهایی می‌تواند اشتراک و تفاوت داشته باشد؟



یک نکته مهم و جالب

آیا همه مفاهیم دارای مصداق هستند؟ شما در جای خالی چه چیزی نوشتید؟ باید گفته باشید: خیر!
مفاهیم در واقع دو دسته هستند: ۱. مفاهیم واقعی ۲. مفاهیم غیر واقعی
مفاهیم غیر واقعی دارای مصداق نیستند یعنی در واقعیت وجود ندارند و به وسیله تخیل یا توهم ما ساخته می‌شوند مانند: دیو، سیمرغ و ...
مفاهیم واقعی، مفاهیمی هستند که در واقعیت وجود دارند.

الان می‌رویم سراغ یک بحث بسیار مهم که همیشه در کنکور از آن سؤال می‌آید: **بحث تعریف**

تعریف

هرگاه ما در مورد «چیزی» یک مفهوم و یک تصور سوالی بپرسیم؛ این عمل، «تعریف» نامیده می‌شود.
مثال: مثلث چیست؟ در پاسخ از دو تصور «شکل» و «سه ضلعی» استفاده می‌کنیم و به کمک این دو تصور یا مفهوم یا اجزای عقلی، چستی مثلث را درک می‌کنیم.

الان متوجه شدیم که چرا در چند سطر بالا مثال‌های یافتن اجزای یک مفهوم را توضیح دادم و از شما خواستم دو تا تمرین حل کنید.

به این بحث شش دانگ توجه کنید: اول می‌فاهم بگویم چه راه‌هایی برای شناختن یک مفهوم داریم و بعد اهمیت تعریف و بقیه موارد. برویم با رویهٔ فکرنده برای فهمیدن یک سؤال قطعی کنکور که از این بحث می‌آید.

راه‌های شناساندن یک مفهوم:

۱. روش اول: نشان دادن مصادیق، ۲. روش دوم: نشان دادن در آزمایشگاه، ۳. روش سوم: تعریف کردن

روش اول «نشان دادن نمونهٔ خارجی یا مصادیق»

در این روش نمونهٔ خارجی و مصادیق را نشان می‌دهیم. به طور مثال فردی از ما می‌پرسد سیب چیست؟ ما سیب واقعی را به او نشان می‌دهیم و می‌گوییم این سیب است.

روش دوم «نشان دادن در آزمایشگاه با ابزار آزمایشگاهی»

در این روش در آزمایشگاه و با ابزار آزمایشگاهی چیزی را به دیگری می‌شناسانیم. مثلاً نشان دادن سلول‌ها با میکروسکوپ.

روش سوم «تعریف کردن»

جلوتر توضیح خواهیم داد.

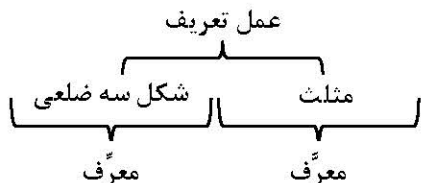
اهمیت تعریف:

دو مورد برای اهمیت تعریف می‌توان گفت:
۱. توسعهٔ دانش در طول زندگی‌مان به کمک تعریف انجام می‌پذیرد.
۲. تعریف مفاهیم هر علمی، دروازهٔ ورود به آن علم است.

انسان عمل «تعریف» را در چه زمان‌هایی انجام می‌دهد؟

عمل تعریف، اختصاص به مراحل اولیه زندگی ندارد، بلکه ما تا آخر عمر به دفعات فراوان از این توانایی ذهن استفاده می‌کنیم.

تعریف تعریف: ما به کمک مفاهیمی که می‌شناسیم، مفهومی را که برای ما مجهول است، مورد شناسایی قرار می‌دهیم. در این صورت پس ما با دو مورد سر و کار داریم یکی چیزی که برای ما «مجهول» است و دوم چیزهایی که برای ما «معلوم» هستند و با مجهول رابطه دارند. این دو مورد، نام‌هایی در منطق دارند که دقیق آن‌ها را به خاطر بسپارید.



معرف: مفهومی که می‌خواهیم تعریف کنیم و برای ما مجهول است.

معرف: مفاهیم معلومی که به کمک آن‌ها مجهول را تعریف می‌کنیم.

حال به مهم‌ترین بخش این درس رسیدیم، در این بخش باید بفهمیم که یک تعریف در چه شرایطی صحیح خواهد بود و در چه شرایطی ناقص و یا غلط.

قواعد پنج‌گانه تعریف در منطق ارسطویی:

• قاعده اول: روشن بودن معرف نسبت به معرف

«مفاهیمی که در معرف به کار می‌بریم، برای مخاطب روشن‌تر از مفهوم معرف باشد= مبهم نباشد.»

جمله‌ای که در بالا خواندید به اندازه کفایت دشوار بیان شده است ولی متأسفانه متن آن را باید به خاطر بسپارید. پس اگر الان موضوع را ساده گفتیم و شما نیز آن را یاد گرفتید، فراموش نکنید که باید جمله دشوار بالا در خاطرتان حک شود.

خوب! جمله بالا چه مفهومی را می‌خواهد بگوید؟ می‌خواهد بگوید اگر از تو خواستم «سبب» را تعریف کنید تو در تعریفی که ارائه می‌کنی از کلمات اجق و جق استفاده نکن که از خود مفهوم سبب دشوارتر باشد و لطف کن جوری تعریف کن که من آن کلمات را بلد باشم.

مثال زیر را به دقت بخوانید:

مثال

اگر در تعریف «جابه‌جایی» بگوییم: «دوران حول مرکز به طریقی که چیزی که هست به نیست مبدل شود» در واقع از مفاهیمی استفاده کردیم که از خود «جابه‌جایی» مبهم‌تر هستند، پس قاعده اول را رعایت نکرده‌ایم.

برای قاعده‌ها می‌خواهم نام‌هایی به کار ببرم که به سادگی در خاطر شما بماند:

قاعده اول: قاعده روشن بودن – آشکار بودن

• قاعده دوم: مرتبط بودن مفاهیم به کار رفته در تعریف (= معرف) با معرف

«وقتی می‌خواهیم مجهولی را تعریف کنیم از مفاهیمی استفاده کنیم که به آن مجهول ربط داشته باشند»

نمی‌شود که از من بخواهند «سبب» را تعریف کنم و من در جواب از کلمات «دیوار»، «چراغ» و ... استفاده کنم که ربطی به «سبب» نداشته باشند.

مثال

اگر در تعریف «روح» بگوییم: «سیالیت سوزان پیچیده در درون» از واژه‌هایی استفاده کردیم که ربطی به مجهول ندارند، پس قاعده دوم را رعایت نکرده‌ایم.

نام ساده قاعده دوم: قاعده ربط

• قاعده سوم: استفاده از حداقل یک مفهوم درونی در تعریف

«وقتی مفهومی را می‌خواهیم تعریف کنیم باید از مفاهیمی استفاده کنیم که همه یا بخشی از محتوای درونی مفهوم مجهول را در بر بگیرند.» (متأسفانه مجبورم مفهوم درونی را در درس‌های بعدی توضیح بدهم.)

«اگر از مفاهیم درونی (که همان ذاتی نامیده می‌شوند و در درس‌های بعد توضیح می‌دهم) در تعریف استفاده نکنیم، مجهول به معلوم تبدیل نمی‌شود و تعریف دقیقی ارائه نمی‌شود.»

مثال

اگر در تعریف «انسان» بگوییم: «دانشمند راست قامت» از دو مفهومی استفاده کردیم که هر دو از مفاهیم درونی انسان به حساب نمی‌آیند. چرا که اگر انسانی دانشمند نباشد و یا راست قامت نباشد همچنان انسان محسوب می‌شود، پس این دو مفهوم از مفاهیم بیرونی انسان هستند، پس قاعده سوم را رعایت نکرده‌ایم.

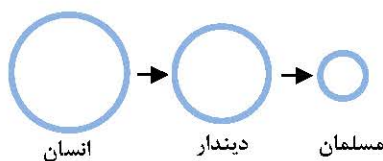
نام ساده قاعده سوم: قاعده درونی

• قاعده چهارم: حرکت از «کلی و عام» به «جزئی»

«تعریف باید از مفاهیم عام شروع شود و رفته رفته به سمت مفاهیم جزئی پیش برود.»

مثال

اگر در تعریف مسلمان بگوییم: «معتقد به اصول دین اسلام که انسان باشد.» این تعریف این شرط را رعایت نکرده است چرا که «انسان» از «معتقد به اصول دین اسلام» کلی‌تر و عام‌تر است.



به این شکل دقت کنید موضوع دستتان می‌آید:

همان طور که حدس زدید انسان مفهومی عام‌تر است یعنی مصادیق بیش‌تری نسبت به معتقدان به دین دارد و معتقدان به دین نیز تعداد بیش‌تری نسبت به معتقدان به دین اسلام هستند. پس در بیان کردن تعریف، اول از عام شروع می‌کنیم و به سمت خاص می‌رویم.

نام ساده قاعده چهارم: قاعده عام به خاص

• قاعده پنجم: جامع و مانع بودن تعریف = مساوی بودن معرف با معرف

«جامع: معرف باید مجهول را به طور کامل برای ما روشن کند، نه این که برخی از ویژگی‌های مجهول را روشن کند و برخی دیگر را در نظر نگیرد.» به عبارت دیگر یک تعریف باید شامل تمام مصادیقی باشد که معرف را شامل می‌شود.

«مانع: معرف نباید بعضی از ویژگی‌های بی‌ارتباط را شامل بشود.» به عبارت دیگر یک تعریف نباید شامل افرادی غیر از افراد معرف باشد.

مثال اگر در تعریف دایره بگوییم: «شکلی است که اطراف آن خط راست نیست»، این تعریف شامل همه دایره‌ها می‌شود ولی علاوه بر دایره شامل موارد دیگر نیز می‌شود مانند بیضی. پس این تعریف «جامع» هست ولی «مانع» نیست.

مثال اگر در تعریف مثلث بگوییم: «شکل سه ضلعی که دو ضلع آن با هم برابرند»، این تعریف شامل همه مثلث‌ها نمی‌شود چرا که فقط مثلث‌های متساوی الساقین چنین ویژگی دارند پس «جامع» نیست ولی جز مثلث‌ها شامل هیچ شکل دیگری نمی‌شود پس «مانع» هست.

این موضوع اخیر را حتما می‌خواهم قبل از تست زدن، تمرین کنید. تمرین‌های زیر را با دقت حل کنید:
از ساده شروع می‌کنیم تا به دشوار برسیم:

- | | | |
|---|--------------------------------|--------------------------------|
| ۱- اگر در تعریف مربع بگوییم شکل چهار ضلعی | جامع: <input type="checkbox"/> | مانع: <input type="checkbox"/> |
| ۲- اگر در تعریف شکل بگوییم مثلث سه ضلعی | جامع: <input type="checkbox"/> | مانع: <input type="checkbox"/> |
| ۳- اگر در تعریف مسلمان بگوییم معتقدان به امامان دوازده‌گانه | جامع: <input type="checkbox"/> | مانع: <input type="checkbox"/> |
| ۴- اگر در تعریف اسم بگوییم کلمه دارای معنی مستقل | جامع: <input type="checkbox"/> | مانع: <input type="checkbox"/> |
| ۵- اگر در تعریف تصور بگوییم آن‌چه بر ما معلوم و آشکار است | جامع: <input type="checkbox"/> | مانع: <input type="checkbox"/> |


پاسخ‌ها

دو روش برای حل درست و سریع این سؤال‌ها وجود دارد. در هر سؤالی خواهیم گفت با چه روشی حل می‌کنم. سعی کنید به هر دو روش مسلط شوید.

۱. روش اول: آیا همه مربع‌ها، «شکل» و «چهار ضلعی» هستند؟ پاسخ آری است، پس جامع هست (یعنی همه مربع‌ها را شامل می‌شود). حال باید بدانیم آیا دو مفهوم «شکل» و «چهار ضلعی»، جز مربع، به چیزهای دیگری نیز اشاره می‌کنند؟ پاسخ آری است. چرا؟ چون لوزی، مستطیل و بقیه اشکال چهارضلعی نیز در این تعریف وجود دارد پس این تعریف مانع نیست (یعنی مانع ورود اغیار- دیگران- به تعریف مربع نشده است). در واقع اگر شما در این تعریف (شکل چهار ضلعی) فقط یک مورد پیدا کنید که در معرف (مربع) جای نداشته باشد؛ آن تعریف مانع نخواهد بود.

۲. باز همان روش اول: می‌پرسم آیا همه شکل‌ها، «مثلث» و «سه ضلعی» هستند؟ می‌دانیم که پاسخ این است که همه نه! بلکه برخی از شکل‌ها، چنین نیستند مانند مربع، لوزی و ... ، پس جامع نیست. (یعنی «مثلث سه ضلعی» در تعریف شکل، نمی‌تواند همه انواع شکل را شامل شود). قدم بعدی این است که ببینیم با توجه به دو مفهوم «مثلث» و «سه ضلعی»، می‌توانیم فقط یک مورد پیدا کنیم که به آن شکل نمی‌توان گفت؟ پاسخ منفی است. (یعنی مانع ورود اغیار- دیگران- شده است). پس جامع نیست ولی مانع هست.

۳. روش دوم: این بار با شکل این مفهوم را می‌گوییم. خود من در پاسخ به این سؤال‌ها شکل آن را تجسم می‌کنم و پاسخ می‌دهم که سریع‌تر نیز هست. این دایره را مسلمانان در نظر بگیرید:

و بعد بگویید آیا همه «معتقدان به  امامان دوازده‌گانه» در درون این دایره قرار می‌گیرند؟ پاسخ بله هست. یعنی همه



«معتقدان به امامان دوازده‌گانه»، مسلمان هستند. پس شکل می‌شود به این حالت:

خوب! این شکل به شما می‌گوید که «معتقدان به امامان دوازده‌گانه» همهٔ مسلمانان را در بر نمی‌گیرد پس جامع نیست، ولی همهٔ «معتقدان به امامان دوازده‌گانه» مسلمان هستند و اغیار (مانند مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان) در این تعریف جای ندارد. پس مانع هست، ولی جامع نیست.

۴. باز روش دوم: یک دایره بکشید. نام آن را «اسم» بگذارید. حالا بگویید «کلمهٔ دارای معنی مستقل» آیا کاملاً در درون این دایره قرار می‌گیرد؟ یعنی «کلمه» و «معنی مستقل» تمامی «اسم»ها را شامل می‌شود؟ پاسخ بله است. پس این تعریف جامع هست. حال بگویید آیا دو مفهوم «کلمه» و «معنی مستقل» به جز اسم به چیز دیگری نیز اطلاق می‌شود؟ پاسخ بلی است. چرا که فعل نیز همانند اسم، هم کلمه است و هم معنی مستقل دارد. پس این تعریف، مانع ورود دیگران (یعنی فعل) نشده است. پس جامع هست، ولی مانع نیست.

۵. باز روش اول: اگر در تعریف تصور بگوییم: «آن چه بر ما معلوم و آشکار است» این تعریف شامل همهٔ تصورها نمی‌شود. چرا؟ چون که برخی تصورها وجود دارد که ما آن‌ها را نمی‌شناسیم. مثلاً تصور «آگزستانسیالیسم» برای شما ممکن است معلوم و آشکار نباشد. پس این تعریف، شامل همهٔ تصورها نمی‌شود و جامع نیست. از طرف دیگر «آن چه بر ما معلوم و آشکار است» فقط و فقط به تصور گفته نمی‌شود. چرا که من یک مورد سراغ دارم که «بر ما معلوم و آشکار است» ولی تصور نیست. حدس زدید؟ بله! برخی از «تصدیق‌ها» بر ما معلوم و آشکار هستند. همین یک مورد را که پیدا کردیم می‌توانیم بگوییم که این تعریف مانع نیست. پس نه جامع هست و نه مانع.

الان زمانی است که می‌توان هم به مقایسهٔ تصور و تصدیق دست زد و هم مفاهیم جدیدی را یاد داد. مطلب زیر را به دقت مطالعه کنید:

مقایسه

مقایسه تصور و تصدیق:

| انواع علم | کاربرد | نقش |
|-----------|---------|---------------------------|
| تصور | تعریف | مشخص کردن چیستی یک مفهوم |
| تصدیق | استدلال | رسیدن به حکم و قضاوت جدید |

مقایسهٔ انواع کارکرد تفکر:

| انواع کارکرد تفکر | بر اساس | نقش |
|-------------------|---------|--|
| تعریف | تصورات | روشن کردن مجهولات |
| استدلال | تصدیقات | رسیدن به نتایج جدید به کمک قضایای مشخص |

موضوع و هدف علم منطقی

موضوع (یا مباحث) علم منطقی: تشریح دو کارکرد اصلی تفکر یعنی «تعریف» و «استدلال»
 هدف علم منطقی: آموزش شیوهٔ درست اندیشیدن = درست «تعریف کردن»، «درست استدلال کردن»

رابطهٔ علم منطقی و تعریف

آن چه علم منطقی در بخش تعریف بر عهده دارد:

۱. تبیین قواعد پنج‌گانهٔ تعریف است نه بیان تعریف هر شیء. این جمله به این معنی است. کار منطقی این نیست که تمام مفاهیم موجود در علوم را تعریف کند؛ بلکه، قواعد آن را ارائه می‌کند.
۲. تعریف و تبیین اشیاء هرگز بر عهدهٔ منطقی نبوده و اگر منطقی دانان به تعریف انواع مفاهیم می‌پردازند از **باب آموزش** (مثال) بوده و برای این کار از علوم دیگر کمک گرفته‌اند.

چرا تعریف برخی مفاهیم مشکل است و راه‌حل برطرف کردن آن کدام است؟

- جرائی:** دو دلیل دارد: ۱- پیچیدگی این مفاهیم ۲- برداشت‌های گوناگون افراد از این مفاهیم
راه‌حل: دو کار باید کرد: ۱- تسلط بر قواعد منطقی ۲- تمرین و تجربه در به‌کارگیری قواعد منطقی

موضوعات حلشایی مهم

- اولین کسی که علم را به تصور و تصدیق تقسیم کرد: فارابی
- تقسیم‌بندی فارابی از علم توسط حکیمان و منطقی‌دانان بعد از فارابی مورد قبول واقع شد.
- هر رشتهٔ علمی دارای اصطلاحات و مفاهیم مخصوص به خود است که آشنایی و تعریف آن مفاهیم دروازهٔ ورود به آن علم است.
- هرگاه بخواهیم به تصدیق جدیدی برسیم، «استدلال» می‌کنیم.
- نام‌های دیگر تصدیق: «قضیه» و «جمله»

| توضیحات | نمایش تصویری | وضعیت اعم و اخص بودن | وضعیت جامع و مانع بودن | انواع روابط میان معرف و معرف |
|---|--------------|------------------------|--------------------------|--|
| معرف = معرف | | اعم نیست. اخص نیست. | جامع است. مانع است. | تساوی |
| معرف > معرف | | اعم است. اخص نیست. | جامع است. مانع نیست. | عموم و خصوص مطلق دایره بزرگتر: معرف دایره کوچکتر: معرف |
| معرف < معرف | | اعم نیست. اخص است. | جامع نیست. مانع است. | عموم و خصوص مطلق دایره بزرگتر: معرف دایره کوچکتر: معرف |
| دو مجموعه در برخی موارد دارای اشتراک هستند. | | اعم است. اخص است. | جامع نیست. مانع نیست. | عموم و خصوص من وجه |
| معرف ≠ معرف | | بی ربط است. | جامع نیست. مانع نیست. | تباین |

پرسش‌های کنکور و تکمیلی

تفکر و ویژگی‌های آن

۲۳. کدام یک از گزینه‌های زیر در ارتباط با «تفکر» صحیح است؟
 ۱) فکر کردن ذاتی انسان است پس می‌توان انتخاب کرد که چه هنگامی بیاندیشیم و چه هنگامی نیاندیشیم.
 ۲) فکر کردن ذاتی انسان است پس نمی‌توان موضوعات تفکر را انتخاب کرد.
 ۳) فکر کردن ذاتی انسان است اما با اراده خود می‌توانیم تفکرمان را سامان دهیم.
 ۴) فکر کردن ذاتی انسان است اما با اراده خود نمی‌توانیم اشتباهات تفکر خود را جبران کنیم.
۲۴. با کدام وصف در مورد قواعد اندیشیدن می‌توان سخن گفت؟
 ۱) اکتسابی ۲) عرضی ۳) ذاتی ۴) ارادی
۲۵. «سازندگی» و «آفرینندگی» انسان که او را به تصرف، مقایسه، سنجش و عمل، سوق می‌دهد با «.....» است و وسیله صیانت آن «.....» می‌باشد.
 ۱) عقل - فلسفه ۲) عقل - منطق ۳) فکر - فلسفه ۴) فکر - منطق
۲۶. با توجه به این که می‌دانیم تفکر کردن در انسان امری ذاتی است بگویید انسان در کدام مورد می‌تواند از اختیار خود در تفکر استفاده کند؟
 ۱) انتخاب موضوعات تفکر ۲) گزینش زمان تفکر ۳) انتخاب ضوابط تفکر ۴) گزینش مکان تفکر
۲۷. انتخاب موضوع مورد تفکر،
 ۱) تا حدی ارادی است، اما تفکر همواره جریان دارد. ۲) کاملاً وابسته به اراده است، اما اصل تفکر تا حدی ذاتی است.
 ۳) مانند اصل تفکر تا حدی به اراده وابسته است. ۴) هیچ ربطی به اراده ندارد، همان‌طور که تفکر کاملاً ذاتی است.
۲۸. هدف از تفکر رسیدن به کدام است؟
 ۱) تفکر برای رسیدن به دانش و شناخت و توسعه علم است. ۲) تفکر برای رسیدن به شناخت یقینی و توسعه علم است.
 ۳) تفکر برای رسیدن به شناخت یقینی و دانش تجربی است. ۴) تفکر برای رسیدن به دانش و شناخت و توسعه یقین علمی است.
۲۹. ارسطو، مبدع علم منطق و انسان منطقی قوانین و ضوابط منطق است و آن جا که هدف انسان درک چیستی یک مفهوم باشد، دست به دامان می‌شود.
 ۱) است - کاشف - تعریف ۲) است - مدون - استدلال ۳) نیست - مدون - استدلال ۴) نیست - کاشف - تعریف
۳۰. همه انسان‌ها از نظر، متفکر و کار منطق
 ۱) منطقی - هستند - افزودن سرعت، دقت و کیفیت تفکر است.
 ۲) منطقی - نیستند - افزودن سرعت، دقت و کیفیت تفکر است.
 ۳) فلسفی - نیستند - آموزش و بهبود جریان تفکر در انسان‌هاست.
 ۴) فلسفی - هستند - آموزش و بهبود جریان تفکر در انسان‌هاست.
۳۱. «برای آگاهی از مفهوم» و «آگاهی از معنای آن» به ترتیب نیاز به کدام نوع از علم داریم؟
 ۱) تصور - تصدیق ۲) تصدیق - تصور ۳) تصور - تصور ۴) تصدیق - تصدیق
۳۲. آن هنگام که به «واقعیت داشتن و واقعیت نداشتن مفهومی کاری نداریم» و آن هنگام که «کاری نداریم که مفهومی با واقعیت رابطه‌ای دارد یا ندارد» به ترتیب در مورد کدام نوع از علم و یا فکر سخن می‌گوییم؟
 ۱) تعریف - تصدیق ۲) تعریف - تصور ۳) تصور - تصور ۴) تصدیق - استدلال
۳۳. وقتی با واقعیت مفهوم سر و کار پیدا می‌کنیم، پای یک به میان می‌آید، که
 ۱) تصدیق - در آن نوعی قضاوت وجود دارد. ۲) جمله - از سه تصور تشکیل شده است.
 ۳) تصدیق - به معنای «جمله» در دستور زبان است. ۴) تصور - درباره هستی آن سؤال شده است.
۳۴. سخن از واقعیت یا عدم واقعیت یک مفهوم با استفاده از ... است و ... چیزی است که ... مفهوم را روشن می‌کند.
 ۱) تصدیق - استدلال - هستی ۲) تصور - تصدیق - هستی
 ۳) تصور - تعریف - چیستی ۴) تصدیق - تصور - چیستی
۳۵. کاری که انسان انجام می‌دهد تا به ... و ... برسد، استدلال نامیده می‌شود.
 ۱) مجموع تصورات - تصدیق ۲) حکم - تصدیق
 ۳) حکم - مجموع تصورات ۴) مجموع تصورات - تعریف

۳۶. در رابطه با تصور و تصدیق کدام عبارت درست است؟
 ۱ تصوّر بدون تصدیق محال است
 ۲ هر تصدیقی مستلزم حداقل ۵ تصوّر است.
 ۳ تصوّر جدید را باید از تصدیق جدید را باید از به دست آورد.
 ۴ هر تصدیقی مستلزم حداقل ۳ تصوّر است.
۳۷. تصورات مجهول - تصورات معلوم
 ۱ تصدیق‌های مجهول - تصورات مجهول
 ۲ تصدیق‌های معلوم - تصورات معلوم
 ۳ تصورات مجهول - تصدیق‌های مجهول
 ۴ تصورات معلوم - تصدیق‌های معلوم
۳۸. کدام یک از موارد زیر به ترتیب تصور و تصدیق است؟
 ۱ انسان ناطق نیست - من در خیابانی که انگار انتهایی ندارد، راه می‌روم
 ۲ روزان و شبان ولگرد - باد می‌وزد
 ۳ تفکر بدون منطق - هستی من
 ۴ زندگی لذت بخش‌ترین موهبت است - همچون کوچه‌ای بی‌انتها
۳۹. کدام دسته از گزینه‌های زیر همگی بیانگر تصدیق هستند؟
 ۱ بعد از ظهر یک روز بارانی - آتش سوزاننده است. - زمین به دور خورشید می‌گردد.
 ۲ کتاب گلستان - سرودن شعر - نوشتن نمایشنامه
 ۳ شعر، سخن موزون قافیه دار است - روزگار غریبی است نازنین - الف، ب نیست.
 ۴ انسان پر از مجهول - می‌گردد و می‌چرخد فریاد زنان - آسمان، آبی است.
۴۰. اگر عبارت «عدد سه یک عدد فرد و متعلق به مجموعه اعداد طبیعی است.» را داشته باشیم، کدام مورد درباره آن درست است؟
 ۱ شامل دو تصدیق با موضوع یکسان است و همه اجزای دو تصدیق کلی هستند.
 ۲ شامل دو تصدیق با موضوع یکسان است که یکی از محمول‌ها کلی و دیگری جزئی است.
 ۳ یک تصدیق با یک موضوع کلی و دو محمول است که یکی از آنها جزئی و محمول دیگر کلی است.
 ۴ یک تصدیق با یک موضوع جزئی و دو محمول است که یکی از آنها جزئی و محمول دیگر کلی است.
۴۱. کدام یک در ارتباط با عبارت «وقتی که دنیای خود را می‌شناسیم» درست است؟
 ۱ هیچ حکمی را بیان نکرده است.
 ۲ تصدیقی شامل چهار تصور است.
 ۳ یک تصدیق و پنج تصور دارد.
 ۴ یک جمله خبری است، ولی تصدیق نیست.
۴۲. در کدام یک از گزینه‌های زیر، محمول و نسبت یکسان نیستند؟
 ۱ نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار
 ۲ خسرو پزشک نیست.
 ۳ در این ده طبیب نیست.
 ۴ خدا هست.
۴۳. در کدام قسم از علم، نسبت نهفته است؟
 ۱ تصور
 ۲ بدیهی
 ۳ اکتسابی
 ۴ تصدیق
۴۴. در تصدیق «کره ماه برگرد زمین می‌چرخد.» تصور نسبت کدام است؟
 ۱ برگرد زمین
 ۲ گردش زمین به دور ماه
 ۳ به گرد زمین چرخیدن ماه
 ۴ زمین
۴۵. هر یک از افرادی که کلی بر آنها صدق می‌کند... آن کلی نامیده می‌شود.
 ۱ تصور
 ۲ مفهوم
 ۳ مصداق
 ۴ عکس
۴۶. کاری که برای رسیدن به چستی یک مفهوم انجام می‌دهیم... نامیده می‌شود و با... به نتیجه آن می‌رسیم.
 ۱ تعریف - تصدیق
 ۲ تعریف - فکر کردن
 ۳ استدلال - فکر کردن
 ۴ استدلال - تصدیق
۴۷. آن گاه که قضایای معلوم، یاور و مدد رسان انسان به کشف قضیه مجهول قرار گیرد و آن گاه که تصورات معلوم، وسیله فهم تصور مجهول شود، به ترتیب، کدام امر تحقق پیدا می‌کند؟
 ۱ تصرف ذهن در معلومات تصدیقی (استدلال) - تصرف ذهن در معلومات تصویری (تعریف)
 ۲ تصرف ذهن در معلومات تصدیقی (استدلال) - تصرف ذهن در معلومات تصویری (استدلال)
 ۳ وسیله قرار دادن تصورات معلوم (تعریف) - وسیله قرار دادن تصدیقات معلوم (استدلال)
 ۴ وسیله قرار دادن تصورات معلوم (استدلال) - وسیله قرار دادن تصدیقات معلوم (تعریف)
۴۸. وقتی می‌پرسیم «درخت یعنی چه؟» یا «درخت چیست؟» به ترتیب برای پاسخ از چه چیزی استفاده می‌کنیم؟
 ۱ تصورات معلوم - تصدیقات معلوم
 ۲ تصورات معلوم - تصدیقات معلوم
 ۳ تصدیقات معلوم - تصورات معلوم
 ۴ تصدیقات معلوم - تصورات معلوم

۴۹. پرسش از ارتباط یک چیز با چیزهای دیگر ناظر بر چه مفهومی است و پاسخ به آن از چه طریقی ممکن است؟
 ۱) چستی - تعریف ۲) چستی - استدلال ۳) چستی - تصدیق ۴) چستی - استدلال
۵۰. ارسطو کشف کرد که کل فعالیت‌های ذهن بشر، علی‌رغم ... و ... آن، معطوف به این است که یا ... را با اندوخته‌های ... روشن کند و یا با ... مشخص، سازماندهی‌ای انجام دهد که به نتایج جدید برسد.
 ۱) سادگی - شفافیت - تصدیقات مجهول - تصدیقی‌اش - احکام
 ۲) پیچیدگی - گستردگی - تصدیقات مجهول - تصدیقی‌اش - تعریف
 ۳) سادگی - شفافیت - تصورات مجهول - تصویری‌اش - تعریف
 ۴) پیچیدگی - گستردگی - تصورات مجهول - تصویری‌اش - احکام
۵۱. نسبت «تصور» به «علم» مانند نسبت است و نسبت «فکر» به «علم» مانند نسبت است.
 ۱) تصدیق به استدلال - فکر به تعریف ۲) فکر به تعریف - تصدیق به استدلال
 ۳) جزئی به مفهوم - تصدیق به تصور ۴) تصدیق به تصور - جزئی به مفهوم

مباحث و هدف منطق

۵۲. «مباحث علم منطق» و «هدف منطق» به ترتیب کدام‌اند؟
 ۱) تصور و تصدیق - درست تعریف کردن و درست استدلال کردن
 ۲) تعریف و استدلال - درست تعریف کردن و درست استدلال کردن
 ۳) تعریف و استدلال - درست تصور کردن و ساختن تصدیق درست
 ۴) تصور و تصدیق - درست تصور کردن و ساختن تصدیق درست
۵۳. به طور کلی خطایی که در فکر کردن روی می‌دهد، در چه مواردی است؟
 ۱) وقتی که مفهومی مبهم را در ذهن تصور می‌کنیم و آن هنگام که حکمی را می‌خواهیم به طور دقیق ارائه کنیم.
 ۲) آن زمان که به اندیشیدن روی می‌آوریم در هر مرحله امکان خطا داریم و این خطاها به طور کلی اجتناب‌ناپذیر هستند.
 ۳) در دو صورت خطا روی می‌دهد: خطاهای تصویری که ناشی از فهم نادرست است و خطاهای استدلالی که ناشی از مغلطه است.
 ۴) برای آشکار کردن تصورات مجهول از روی اندوخته‌های تصویری و برای رسیدن به نتایج جدید با سازماندهی احکام و قضایای مشخص
۵۴. برای اولین بار توسط حکیمی عالیقدر و مسلمان، این تقسیم‌بندی انجام شد و مورد قبول حکیمان و منطق‌دانان پس از وی قرار گرفت؟
 ۱) تقسیم موضوع منطق به: تعریف و استدلال ۲) تقسیم موضوع منطق به: تصور و تصدیق
 ۳) تقسیم‌بندی علم به: تصور و تصدیق ۴) تقسیم‌بندی علم به: تعریف و استدلال
۵۵. تقسیم علم به تصور و تصدیق نخستین بار توسط کدام حکیم صورت گرفته است؟
 ۱) خواجه‌نصیر ۲) ابونصر فارابی ۳) ابوعلی‌سینا ۴) حاج ملاهادی سبزواری

ویژگی‌های تعریف

۵۶. انسان در فعالیت‌های فکری خود یا مفهومی را می‌کند و یا برای رسیدن به حکمی می‌کند، که هر دو ما را گسترش می‌دهند.
 ۱) تعریف - استدلال - علم ۲) تصور - تصدیق - ادراکات ۳) تصور - تصدیق - بینش ۴) تعریف - استدلال - منطق
۵۷. برای شناساندن یک مفهوم چند راه وجود دارد و نام آن‌ها کدام است؟
 ۱) فقط یک راه: تعریف کردن
 ۲) سه راه: نشان دادن مصداق آن، نشان دادن ابزار آزمایشگاهی و تعریف کردن
 ۳) دو راه: نشان دادن مفهوم آن و استدلال کردن
 ۴) سه راه: نشان دادن مصداق آن، تعریف و استدلال کردن
۵۸. گاهی برای شناساندن یک مفهوم، مصداق آن را نشان می‌دهیم که نام دارد و از اقسام تفکر شمرده
 ۱) احساس - می‌شود ۲) احساس - نمی‌شود ۳) تصدیق - می‌شود ۴) تعریف - می‌شود
۵۹. کدام یک از موارد زیر در مورد مبحث تعریف در منطق صحیح نیست؟
 ۱) عمل تعریف به مراحل از زندگی ما اختصاص دارد که از نظر ذهنی توانایی درک آن را داشته باشیم.
 ۲) در هر دوره متناسب با آگاهی و دانش خود، مفاهیم جدیدتری را به تعریف می‌کشانیم.
 ۳) دروازه ورود به هر علمی آشنایی و تعریف مفاهیم مخصوص به آن علم است.
 ۴) ارسطو کشف کرد که ما در موقع تعریف کردن قواعد خاصی را رعایت می‌کنیم.
۶۰. نقش ارسطو در تعریف منطقی در کدام مورد به درستی آمده است؟
 ۱) او تلاش کرد تا طرز کار ذهن در هنگام تعریف کردن را شناسایی کند.
 ۲) او قواعدی را ایجاد کرد که ذهن انسان در انجام عمل تعریف به آن مقید باشد.
 ۳) او کشف کرد که ما در موقع تعریف کردن قواعدی را ایجاد کرده و به آن پایبند می‌مانیم.
 ۴) او در بیان شرایط تعریف به اصولی توجه کرد که زیربنای منطقی داشته و آن را مبنایی برای تعریف دانست.

۶۱. هر گاه پرسش از چستی یک مفهوم می‌کنیم در واقع کدام مورد را می‌توان «تعریف» گفت؟
 ۱. معنای که این مفهوم دارد.
 ۲. پاسخی که به این پرسش می‌دهیم.
 ۳. خود پرسشی که می‌پرسیم.
 ۴. تصدیق مربوط به مفهومی که داریم.
۶۲. مجموع تصورات معلوم که موجب کشف ... مجهول می‌شود، معرف نامیده می‌شود. (دقت کنید این تست ساده است ولی اگر ایراد داشتید، حتماً مفاهیم را دوباره بخوانید)
 ۱. حجت ۲. تصور ۳. قضیه ۴. تصدیق
۶۳. مجموع تصورات معلوم که منجر به کشف مجهول می‌شود چه نام دارد و از انواع کدام مورد است؟
 ۱. معرف - از انواع تفکر ۲. معرف - از انواع تصور ۳. معرف - از انواع تفکر ۴. معرف - از انواع تفکر
۶۴. کدام یک از موارد زیر در مورد بحث «تعریف» صحیح است؟
 ۱. تصدیقات - استدلال ۲. تصورات - حجت ۳. تصورات معلوم - معرف ۴. قضایای معلوم - معرف
۶۵. به ترتیب بگویید اولین مرحله برای یادگیری یک رشته علمی چیست و دروازه ورود به هر علم کدام است؟
 ۱. آشنایی با تعاریف و استدلال‌های پایه‌ای آن - شناخت اصطلاحات خاص آن علم
 ۲. آشنایی با تعاریف و استدلال‌های پایه‌ای آن - بررسی مبانی و روش‌های خاص آن
 ۳. شناخت اصطلاحات خاص آن علم - شناخت اصطلاحات خاص آن علم
 ۴. شناخت اصطلاحات خاص آن علم - آشنایی با تعاریف و استدلال‌های پایه‌ای آن
۶۶. کدام عبارت درباره «تعریف» درست است؟
 ۱. شناسایی مفاهیم جدید به کمک آن صورت می‌گیرد اما نقشی در گسترش دانش ندارد.
 ۲. در کاربرد آن لازم است به معلومات کسی که تعریف برای او انجام می‌شود، توجه شود.
 ۳. در منطق، بیش از سایر دانش‌ها و در دانش‌ها بیش از زندگی عادی استفاده دارد.
 ۴. هیچ یک از مفاهیم و تصورات، بدون استفاده از آن برای ذهن معلوم نمی‌شود.
۶۷. در تعریف کردن یک مفهوم نباید کلماتی به کار ببریم که از ، باشد.
 ۱. معرف - مبهم‌تر ۲. معرف - مبهم‌تر ۳. معرف - آشکارتر ۴. معرف - آشکارتر
۶۸. کدام مورد، عبارت زیر را به درستی کامل می‌کند؟
 «تعریف یک مفهوم مجهول با استفاده از مفاهیم ناشناخته، امکان‌پذیر»
 ۱. نیست؛ زیرا در آن صورت معرف و معرف مساوی نیستند.
 ۲. است؛ به شرط آن که از چند مفهوم معلوم هم استفاده شود.
 ۳. است؛ به شرط آن که یک مفهوم درونی هم وجود داشته باشد.
 ۴. نیست؛ بنابراین بررسی سایر شرایط چنین تعریفی بی‌معنا است.
۶۹. در تعریف «مثلث»، «فعل» و «تصور» به «سه پاره خط که یکدیگر را در سه نقطه قطع می‌کنند» و «کلمه‌ای که انجام کاری یا وقوع حالتی را بیان می‌کند» و «یکی از اقسام فکر» به ترتیب می‌توان گفت
 ۱. صحیح است - جامع نیست - مانع نیست ۲. صحیح است - مانع نیست - مانع نیست
 ۳. بی‌ربط است - مانع نیست - بی‌ربط است ۴. بی‌ربط است - جامع نیست - بی‌ربط است
۷۰. هر گاه فعل را به «کلمه‌ای که بر انجام دادن کار در گذشته یا حال یا آینده دلالت دارد»، تعریف کنیم کدام یک از شرایط تعریف، رعایت نشده و تعریف انسان به «حیوان هنرمند» چگونه تعریفی است؟
 ۱. معرف نباید اعم از معرف باشد - حد ناقص ۲. معرف نباید اخص از معرف باشد - حد ناقص
 ۳. معرف نباید اعم از معرف باشد - رسم تام ۴. معرف نباید اخص از معرف باشد - رسم تام
۷۱. تعریف باید جامع باشد؛ یعنی
 ۱. مصادیق متعددی نداشته باشد. ۲. مفاهیم بی‌ارتباط را در بر نگیرد.
 ۳. افراد معرف خارج از آن قرار نگیرد. ۴. محتوای مفهوم را به طور کامل در برگیرد.
۷۲. هنگامی که انسان مفهومی را تعریف می‌کند،
 ۱. در صورتی که تعریف جامع و مانع باشد، درست است. ۲. باید قبل از هر کاری، مفهوم مجهول را شناخته باشد.
 ۳. لازم نیست همه قواعد تعریف را رعایت کند. ۴. گاهی نسبت به آن مفهوم ناچار است که از کلمات مبهم استفاده کند.
۷۳. تعریفی که جامع نباشد و تعریفی که مانع نباشد
 ۱. اعم نیست - اعم نیست ۲. اخص است - اخص نیست ۳. اخص است - اعم نیست ۴. اعم نیست - اعم است

۷۴. هرگاه معرفت شامل غیر و بیگانه نشود، خواهد بود. **تکاشی**
- ۱) افراد- مساوی ۲) افراد- مانع ۳) تصورات- مانع ۴) تصورات- مساوی
۷۵. تعریفی که رابطه میان معرفت و معرفت تساوی نباشد چگونه تعریفی است؟ **مفهومی**
- ۱) مانع ۲) جامع و مانع ۳) نه جامع و نه مانع ۴) جامع
۷۶. هرگاه «تعریف» ما از یک مفهوم به گونه‌ای باشد که «فقط بعضی از مصادیق مجهول را شامل شود» و «افراد و مصادیق بی‌ارتباط را نیز دربرگیرد»، و در ترکیب مفاهیم و تصورات، شروع کار با مفاهیم ... است. **سراسری فارغ از کشور- ۹۰**
- ۱) مانع - جامع - نیست - کلی ۲) مانع - جامع - است - جزئی
۳) جامع - مانع - است - جزئی ۴) جامع - مانع - نیست - کلی
۷۷. اگر در تعریف «انسان» مفهوم «حیوان» را به کار ببریم، کدام یک از شرایط تعریف را رعایت کرده‌ایم؟ **سراسری فارغ از کشور- ۸۹**
- ۱) مرتبط بودن مفاهیم به کار رفته در تعریف با معرفت- جامع و مانع افراد بودن تعریف
۲) به کار گرفتن مفاهیم درونی در تعریف- شروع کردن از مفاهیم و کلمات عام و کلی‌تر
۳) مرتبط بودن مفاهیم به کار رفته در تعریف با معرفت- روشن‌تر بودن معرفت از معرفت
۴) به کار گرفتن مفاهیم درونی در تعریف- مساوی بودن معرفت با معرفت
۷۸. در تعریف اگر از مفهوم «ذاتی» استفاده نشود، **سراسری فارغ از کشور- ۹۲**
- ۱) تعریف جامع نیست. ۲) مجهول معلوم نمی‌شود. ۳) تعریف به حد نشده است. ۴) باید از چند عرضی استفاده شود.
۷۹. «در چه صورتی نمی‌توانیم تعریف دقیقی از یک مفهوم ارائه کنیم» و «در ترکیب مفاهیم و تصورات به چه دلیلی از مفاهیم عام به سمت مفاهیم جزئی‌تر حرکت می‌کنیم؟» **مفهومی**
- ۱) در صورتی که از قواعد خاص تعریف به درستی استفاده نکنیم. - تا قواعد منطقی تعریف را به درستی رعایت کرده باشیم.
۲) در صورتی که از قواعد خاص تعریف به درستی استفاده نکنیم. - ذهن آدمی در مسیر طبیعی خود به این امر دست پیدا می‌کند.
۳) مفاهیم به کار گرفته حقیقت و ماهیت مفهوم را در بر نگیرد. - ذهن به طور طبیعی این کار را انجام می‌دهد.
۴) مفاهیم به کار گرفته حقیقت و ماهیت مفهوم را در بر نگیرد. - تا قواعد منطقی تعریف را به درستی رعایت کرده باشیم.
۸۰. در تصور «فعل»، از میان مفاهیم «دارای معانی مختلف»، «کلمه» و «فعل» تصور می‌شود. **سراسری فارغ از کشور- ۹۳**
- ۱) ابتدا «کلمه»، سپس «فعل» و پس از آن «دارای معانی مختلف»
۲) ابتدا «فعل»، سپس «کلمه» و بعد از آن «دارای معانی مختلف»
۳) ابتدا «کلمه»، سپس «دارای معانی مختلف» و بعد از آن «فعل»
۴) «کلمه» و «فعل» با یکدیگر و «دارای معانی مختلف» پس از آن‌ها
۸۱. تعریف «آتش» به «عنصری شبیه نفس انسان» و تعریف «قدیم» به «چیزی که حادث نباشد» و تعریف «شیعه» به «مسلمانی که قائل به دوازده امام باشد» به ترتیب موصوف به کدام وصف است؟ **سراسری- ۸۸**
- ۱) معرفت، اخص از معرفت است- معرفت، اعم از معرفت است- معرفت، موقوف به معرفت است.
۲) معرفت، روشن‌تر از معرفت است- معرفت، اعم از معرفت است- معرفت، اخص از معرفت نیست.
۳) معرفت، اعم از معرفت است- معرفت، موقوف بر معرفت است و بالعکس- معرفت، اخص از معرفت است.
۴) معرفت، روشن‌تر از معرفت نیست- معرفت، موقوف بر معرفت است و بالعکس- معرفت، اخص از معرفت است.
۸۲. تعریف «علم جامعه‌شناسی» به «دانشی که از پدیده‌های اجتماعی سخن می‌گوید» چه ایرادی دارد؟ **مفهومی- ترکیب با درس ۴**
- ۱) تعریف به اخص است. - شرح‌الاسم است. ۲) روشن‌تر از معرفت نیست. - شرح‌الاسم است.
۳) تعریف به اعم است. - تنوع برداشت دارد. ۴) از عام به خاص مرتب نشده است. - تنوع برداشت دارد.
۸۳. تعریف «تصور» به «کاری که برای رسیدن به چستی یک مفهوم انجام می‌دهیم»، تعریف است. **سراسری- ۹۲**
- ۱) نادرستی ۲) به حد نام ۳) به حد ناقص ۴) به شرح اسم
۸۴. تعریف کدام یک از موارد زیر دشوار است و علت کدام است؟ **تکاشی- مفهومی**
- ۱) انسان - به دلیل برداشت‌های مختلفی که از این مفهوم می‌شود.
۲) آزادی - به دلیل پیچیدگی و ارتباطی که با زندگی اجتماعی انسان دارند.
۳) مستطیل - به دلیل پیچیدگی و ارتباطی که با زندگی اجتماعی انسان دارند.
۴) نمک - به دلیل برداشت‌های مختلفی که از این مفهوم می‌شود.
۸۵. تعریف مفاهیمی مانند «زندگی» و «انسانیت» **سراسری- ۹۳**
- ۱) هرگز عملی یا امکان‌پذیر نمی‌گردد. ۲) می‌تواند به تدریج کامل‌تر گردد.
۳) به دلیل بدهات، امکان‌پذیر نیست. ۴) با شناخت قواعد تعریف امکان‌پذیر می‌گردد.

۸۶. آنگاه که دربارهٔ تعریف «آدمیت یا انسانیت» سخن می‌گوییم، کدام عبارت درست خواهد بود؟
 ۱ با کمال دقت می‌توان آن را تعریف کرد.
 ۲ احتمال برداشت‌های متفاوت را خواهد داشت.
 ۳ هرگز قابلیت تعریف نخواهد داشت.
 ۴ در صورت علم به قواعد تعریف امکان تحقق دارد.
 مفهومی - تک‌گانه
۸۷. آنچه علم منطق در بخش تعریف بر عهده دارد ...
 ۱ تبیین پنج قاعدهٔ تعریف است و بیان تعریف هر شیء از وظایف عرضی منطق است.
 ۲ نه تنها تبیین پنج قاعدهٔ تعریف است بلکه بیان تعریف هر شیء نیز از وظایف منطق است.
 ۳ تبیین پنج قاعدهٔ تعریف است نه بیان تعریف هر شیء.
 ۴ نه تنها تبیین پنج قاعدهٔ تعریف است بلکه بیان تعریف هر شیء را برای هر کدام از علوم به عهده دارد.
 مفهومی - مانع‌های
۸۸. به چه دلیل منطق‌دانان پای خود را از قلمرو علم منطق فراتر نهاده و به تعریف انواع مفاهیم پرداخته‌اند؟
 ۱ از باب درک کلی مفاهیم ۲ از باب نیاز سایر علوم ۳ از باب وظیفه ۴ از باب آموزش
 مفهومی
۸۹. «جسم نامی حساس» در تعریف حیوان تعریفی است؛ (تست بسیار خوبی است به خاطر دانشگاه آزاد و سال تست بی حوصله تست را جواب ندهید).
 ۱ جامع و مانع ۲ فقط جامع ۳ فقط مانع ۴ نه جامع و نه مانع
 آزاد - ۸۴
۹۰. تعریف مثلث به «شکلی که محدود به سه ضلع است» تعریفی است؛
 ۱ جامع ۲ جامع و مانع ۳ فقط مانع ۴ نه جامع نه مانع
 هراسی - ۶۷
۹۱. اگر در تعریف مثلث گفته شود «شکلی است محدود به سه ضلع مساوی» با توجه به شرایط تعریف چه اشکالی در آن موجود است؟
 ۱ مانع است، ولی جامع نیست. ۲ جامع است، ولی مانع نیست.
 ۳ تعریف بی‌ربط است. ۴ نه جامع و نه مانع است.
 هراسی - ۷۱ با تمه نظیر
۹۲. در مورد تعریف «مصدر» به «کلمه‌ای که انجام کاری را می‌رساند.» و «استدلال» به «قضیه‌ای که به ما شناخت جدیدی ارائه دهد»، به ترتیب می‌توان گفت؟
 ۱ جامعه و مانع نیست. - مانع نیست. ۲ جامع است و مانع نیست. - بی‌ربط است.
 ۳ جامع است و مانع نیست. - جامع نیست. ۴ جامع و مانع نیست. - بی‌ربط است.
 هراسی خارج از کشور - ۹۶
۹۳. در مفهوم مثلث، مفاهیم سه زاویه داشتن، متساوی الساقین بودن و سه ضلعی بودن، به ترتیب ... و ... تصور مثلث هستند.
 ۱ مقدم بر، مقدم بر، مقدم بر ۲ موخر از، موخر از، مقدم بر ۳ مقدم بر، موخر از، مقدم بر ۴ موخر از، مقدم بر، موخر از
 هراسی - ۹۰
۹۴. هرگاه «مربع» را به «شکلی که چهار ضلع مساوی دارد» و «زمین» را به «سیاره‌ای که دور خورشید می‌چرخد» تعریف کنیم تعریف ما به ترتیب و موضوع در قضیه مورد نظر به ترتیب ... و ... است.
 ۱ جامع - مانع - نیست - جزئی - کلی ۲ جامع - مانع - است - کلی - جزئی
 ۳ مانع - مانع - نیست - جزئی - کلی ۴ مانع - جامع - است - کلی - جزئی
 مفهومی
۹۵. اگر در تعریف «مربع» بگوییم «مقدار بیوسه‌ای که مجموع زوایایش ۳۶۰ درجه است.» کدام گزینه اشکال آن را به درستی بیان می‌کند؟
 ۱ جامع و مانع نیست. ۲ معرفّ اخص از معرفّ است. ۳ معرفّ اعم از معرفّ است. ۴ عدم تقدم ذاتی بر عرضی
 مفهومی
۹۶. اگر در تعریف دوزنقه بگوییم «شکل چهارضلعی که فقط دو ضلع آن با هم موازی باشند» چگونه تعریفی است؟
 ۱ جامع ۲ مانع ۳ نه جامع نه مانع ۴ جامع و مانع
 مفهومی
۹۷. کدام یک از تعاریف زیر مانع دخول اغیار در تعریف می‌باشد؟ (با دقت این تست را جواب بدهید تا مطالب قبلی را دوره کنید).
 ۱ شکل محدود به چهارضلع مساوی در تعریف لوزی ۲ شکل محدود به چهار ضلع در تعریف مربع
 ۳ شکل محدود به سه ضلع در تعریف مثلث ۴ شکلی که محیط آن منحنی است در تعریف دایره
 مفهومی
۹۸. تعریف دایره به «خط منحنی بسته که همه نقاط آن از مرکز به یک فاصله باشد» تعریفی است؛
 ۱ نه جامع و نه مانع ۲ جامع ۳ مانع ۴ جامع و مانع
 (یک تست عالی) آزاد - ۷۸ و ۸۶
۹۹. در تعریف دایره به «شکلی است که محیط آن منحنی است» کدام گزینه صحیح است؟
 ۱ مانع دخول اغیار است. ۲ مانع دخول اغیار نیست. ۳ جامع و مانع است. ۴ نه جامع و نه مانع
 (این تست از تست‌های خوب است) آزاد - ۸۳
۱۰۰. اگر در تعریف «محیط دایره» بگوییم، «شکلی است محدود به خط منحنی که همهٔ نقاط آن از مرکز به یک فاصله باشند» چگونه تعریفی ارایه کرده‌ایم؟
 ۱ جامع ۲ مانع ۳ نه جامع نه مانع ۴ جامع و مانع
 مفهومی
۱۰۱. اگر در تعریف «محیط دایره» بگوییم که «خط منحنی بسته که همهٔ نقاط آن از مرکز به یک فاصله باشد» چگونه تعریفی کرده‌ایم؟
 ۱ نه جامع نه مانع ۲ جامع و مانع ۳ جامع ۴ مانع
 مفهومی

۱۰۲. در بیان شرایط تعریف، اعم نبودن، اخص نبودن و مابین نبودن معرف از معرف به ترتیب، اشاره به کدام گزینه دارد؟ (امیدوارم از عهده این تست دشوار برآید و اگر گیر کردید پاسخ تشریحی را بخوانید اما بعد از آن دوباره تست را پاسخ دهید).
تلاش

۱ جامع افراد - مانع اغیار - عموم و خصوص مطلق ۲ مانع اغیار - جامع افراد - تساوی

۳ جامع افراد - مانع اغیار - تساوی ۴ مانع اغیار - جامع افراد - عموم و خصوص مطلق

۱۰۳. در تعریف به اعم (فقط جامع) و تعریف به اخص (فقط مانع) به ترتیب بگوئید بین معرف و معرف، کدام یک از نسبت‌های چهارگانه برقرار است؟
مفهوم - ترکیب با درس ۳

۱ تساوی - عموم و خصوص مطلق ۲ تباین - عموم و خصوص من وجه

۳ هر دو عموم و خصوص مطلق ۴ هر دو عموم و خصوص من وجه

۱۰۴. اگر در تعریفی رابطه بین معرف و معرف به ترتیب «عام و خاص من وجه» و «عام و خاص مطلق» باشد، کدام گزینه درست خواهد بود؟
مفهوم - ترکیب با درس ۳

۱ جامع و مانع نبودن تعریف - جامع و مانع بودن تعریف ۲ جامع بودن و مانع نبودن تعریف - جامع یا مانع بودن تعریف

۳ جامع و مانع نبودن تعریف - جامع یا مانع بودن تعریف ۴ جامع بودن و مانع نبودن تعریف - جامع و مانع بودن تعریف

۱۰۵. کدامیک از تصاویر زیر به ترتیب، نشان‌دهنده تعریف «فقط جامع» و کدامیک بیانگر تعریف «فقط مانع» است؟
مفهوم



۱ الف - ب

۲ الف یا ب - ب یا الف

۳ الف - پ

۴ پ - ت

۱۰۶. دایره توپر را نمایش مصادیق معرف و دایره سفید را نمایش مصادیق معرف فرض کنید. اگر در تعریف دانش آموز بگوئیم «انسان دبیرستانی» و در تعریف گره بگوئیم «مجموعه نقاطی که فاصله آنها از یک نقطه ثابت به یک فاصله باشد». تصاویر زیر به ترتیب، بیانگر کدامیک از تصاویر می‌باشند؟
مفهوم



۱ پ - ب

۲ ب - ت

۳ الف - ب

۴ الف - ت

۱۰۷. اگر در تعریف علم، «تعریف تصدیق» را ارائه کنیم و بار دوم «تعریف استدلال»، به ترتیب، این تعاریف چه ویژگی خواهند داشت؟
مفهوم

۱ جامع - بی ربط ۲ مانع - بی ربط ۳ بی ربط - بی ربط ۴ جامع - مانع

۱۰۸. تعریف آب به «مایعی مفید» تعریفی است؟
تعلیق قدیمی و پدیدار خوب - سراسری - ۷۹

۱ جامع ۲ مانع ۳ جامع و مانع ۴ نه جامع و نه مانع

۱۰۹. تصور ذهنی ما از امور مختلف ... نام دارد و نسبت‌های چهارگانه منطقی (نسب اربع) از ... حادث می‌شوند.
ترکیب با درس ۳ - سراسری - تاریخ از کشور - ۸۷

۱ مفهوم - تصدیق دو کلی ۲ مصداق - تصدیق دو کلی ۳ مفهوم - تصور دو کلی ۴ مصداق - تصور دو کلی

۱۱۰. به ترتیب در ارتباط با تعاریف، «مثلث شکلی است که سه زاویه و سه ارتفاع دارد.» و «ستاره کره‌ای است که در مرکز یک منظومه است.» کدام گزینه درست است؟
طراحی تست از تمرین کتاب درسی

۱ جامع است. - جامع نیست. ۲ مانع است - مانع نیست. ۳ جامع نیست - مانع است. ۴ جامع است - جامع است.

آیا جایی در درس ۲ مانده است که تست نشده باشد؟

قطعاً خیر!

آیا می‌توانید در کنکور به هر تستی که از درس ۲ بیاید پاسخ درست بدهید؟

امیدوارم. اما باید به خاطر داشته باشید که درس ۲، چند بخش دارد که با هر بخش آن باید با برخورد جداگانه‌ای داشته باشید:

بخش اول: مطالب متنی (مانند «رابطه تفکر و اراده»، «تعریف تصور، تعریف تصدیق»، «تعریف و رابطه تصور و تصدیق با تعریف و استدلال» و ...) این موارد را شما با تمرین روی تست‌هایی که داده‌ام از عهده‌اش برمی‌آیید.

بخش دوم: مطالب مصداقی. به این معنی که مثلاً تعریفی برای مثلث ارائه بشود. این نوع مطالب حتماً توسط طراحان تست، می‌تواند متنوع باشد. نتیجه این که: این نوع تست‌ها را زمانی می‌توانید درست بزنید که مطالب متنی را حفظ نکرده باشد بلکه یاد گرفته باشید. یعنی اگر شما درست به کار گرفتن قواعد را بلد باشید می‌توانید تمام مطالب مصداقی که تست می‌شوند را درست جواب بدهید.

موفق باشید.